



## تفسیر سوره لقمان

قسمت بیست و هشتم



# آیات الهی برای صابران و سپاسگزاران

آیت الله مشکینی

خسوف و خطرهای مسافرت زمینی - آنها هم با وسائل رنج آور و خسته کننده آن زمان - به هر نقطه ای که مایل باشد رفت و آمد نماید و سرانجام این آرزو محقق شد و امروز راهی را که در طی یک سال - در گذشته - با زحمت و مشقت می پیمود، در طی چند ساعت با هواپیما، می پیماید و در زمینه سفر دریائی نیز با ساختن کشتی های مجهز و غول پیکر که شهری را در اذهان تداعی می نماید، به آسودگی و سرعت، به هر جایی که بخواهد، مسافرت می نماید.

قرآن کریم در چند مورد از کشتی سخن به میان آورده که یکی در همین آیه است، «الم تر ان الفلک تجری فی البحر بنعمت الله»، آیه ندریدی کشتی ها در دریاها به فرمان خداوند و به برکت نعمت او در حرکت اند. و برای اینکه بشر را غرور نگیرد و به خود نبالد که اوست که چنین وسیله نقلیه دریائی با عظمتی را ساخته، و این غفلت از خدا او را به گناه و احیاناً به کفر نکشاند، به او خاطر نشان می سازد که فکر نکن این کار، از تو بر می آید، و تو آن را با نیروی دستها و تلاش مغزی خویش ساخته و پرداخته ای و در دریاها سفر می نمائی بلکه با لطف و نعمت من است که کشتی بر فراز آب در حرکت می باشد و اگر چنین نبود تو هرگز نمی توانستی از آن بهره برداری نموده و آن را وسیله حمل و نقل خویش قرار دهی، گذشته از اینکه فکر و اندیشه خلاق بشر و ابتکار عمل انسان هم داده خداوند است. نیروی جسمی که بوسیله آن توان پیاده کردن آنچه را که در فکر طرح می نماید، مواد اولیه ای که با آن کشتی و یا هر چیز دیگری

آلَمْ تَرَ اَنَّ الْفَلَکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيْكُمْ مِنْ اٰیٰتِهٖ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّكُلِّ صَبّٰرٍ شٰكِرٍ»

آیا ندیدی کشتی ها را در دریا که به فرمان خداوند و به برکت نعمت او در حرکت اند تا (از این راه) خداوند بعضی از آیات خویش را به شما بنمایاند که در اینها آیات و نشانه هائی است برای کسانی که شکیب و شکر گزارند.

### پیشرفت وسائل نقلیه

یکی از ویژگیهای انسان، قدرت ابتکار و خلاقیتی است که خداوند به وی عنایت فرموده است و او در سایه این توانائی توانسته است هر روز برای نقل و انتقال خویش وسیله ای بهتر اختراع نموده و بدین ترتیب وسائل جدیدی را جایگزین وسائل طبیعی و قدیمی بنماید، و از اینراه به سیر و سفر خویش شتاب بیشتر و برای خود راحتی و آسایش زیادتری تأمین نماید.

در گذشته هنگامی که مردم مثلاً از قم به سوی تهران حرکت می نمودند مدت زیادی وقت آنان در میان راه به هدر می رفت، و پس از رسیدن به مقصد هم با تنی خسته و فرسوده نیاز به مدتی استراحت داشتند تا پس از آن بتوانند کارهای خویش را انجام دهند ولی امروز آن چند روز به چند ساعت تبدیل شده است و وسائل نقلیه مصنوعی جای وسائل طبیعی را پر نموده است.

روزگاری انسان پیریدن پرنده گان را در آسمان می دید و آرزو می کرد او هم بتواند در آن فضای بیکران پر کشیده و آسوده خاطر از



می سازد، همه اش نعمت های الهی است.

### دریا یکی از آیات خداوند

«لیریکم من آیاته» گاهی قرآن مطلبی را بیان می نماید و بی درنگ به دنبال آن دلیل آن را ذکر می کند، در این مورد نیز علت دادن این نعمت هائی را که انسان به برکت آن، قادر به ساختن کشتی و مسافرت در دریا می شود، چنین بیان می فرماید: تا خداوند پاره ای از آیات و نشانه های قدرت و عظمت خویش را به شما نشان دهد. در دعای «جوشن کبیر» می خوانیم: «بأَمْنٍ فِي الْبَحْرِ عَجَابَةٌ» ای پروردگاری که سطح دریاها و پهلو اقیانوسها، صحنه آفریده های شگفت انگیز تو است.

یکی از شگفتیهای دریا همین نعمتی است که خداوند در این آیه اشاره فرموده و آن را برای استفاده های گوناگون در اختیار بشر قرار داده است، اگر در گذشته از کشتی تنها برای صید و مسافرت بهره برداری می شد، امروزه از آن استفاده های بسیاری می شود و برای مطالعات علمی در دریاها، عملیات نظامی و اکتشافی و غیره نیز مورد توجه قرار گرفته است. به خصوص با توجه به اینکه مساحتی قابل توجه از زمین را دریاها به خود اختصاص داده اند و انسان بوسیله کشتی است که از آن ها، هم چون سطح زمین استفاده می نماید، در گذشته چنین می پنداشتند که  $\frac{1}{4}$  کره زمین را خشکی و  $\frac{3}{4}$  بقیه را آب فرا گرفته است ولی امروزه با مطالعاتی که انجام گرفته است به این حقیقت پی برده اند که مقدار مساحت خشکی، اندکی بیش از آن است که سابقاً فکر می کرده اند.

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» در اینجا نشانه ها و آیات عظمت الهی است ولی برای کسانی که حوصله تفکر و تدبیر در این آیات را دارند و در برابر این همه نعمت شکرگزار می باشند.

### آیات الهی

«آیه» در واژه عربی به معنی نشانه است و جمع آن «آیات» است که به معنای نشانه ها می باشد و در قرآن این واژه به صورت مفرد و جمع زیاد وارد شده است، و مصدیق بسیاری هم برای آن بیان نموده است. در سوره «بقره» می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ مِمَّا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup>. محققاً در آفرینش آسمان ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی ها که در سطح آب برای بهره برداری مردم در حرکت است و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا به آن زمین را بعد از مردن زنده سازد و انواع

جنبندگان را در آن گسترده و همچنین در تغییر مسیر بادها و ابرهائی که در میان زمین و آسمان معلق می باشند، نشانه هائی از قدرت مطلقه پروردگار برای مردمی است که دارای عقل و تدبیر اند.

کوهها، دریاها، تغییر فصل های سال، خلقت نباتات و حیوانات و آفرینش انسان ها، همه و همه آیات و نشانه های وجود آن ذات مقدس و آیات قدرت و حکمت او می باشند، و گاهی عمل یک انسان هم آیه است: «وَمَنْ آيَاتِهِ مَنَّا لَمَكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤِكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ»<sup>۲</sup> و یکی از آیات الهی خوبیدن شما در شب و روز و نیز جستجوی شما برای بدست آوردن روزی از فضل خداوند می باشد؛ در این امر آیاتی است برای مردمی که سخن حق را می شنوند.

تمام اینها نشانه های وجود خداوند و آیه علم و حکمت و قدرت و لطف الهی است بنابراین تمام جزء جزء این جهان و نیز مجموع آن، آیات خداوند می باشند اگر انسان به دقت پدیده های گوناگون هستی را مورد مطالعه قرار دهد و در این کتاب بزرگ آفرینش بنگرد، پی به وجود وحدانیت «الله» برده و از علم و حکمت و قدرت او آگاه می گردد.

و نیز اگر کسی با بینشی تخصصی مسأله خواب را مورد توجه قرار داده و در آن درست دقت نماید که این چه حالتی است که بر افراد عارض می گردد و در آن حال چگونه روح بطور موقت بدن را ترک گفته و به نقاط دیگر سفر کرده و به هر جا سری می زند و از هر سو خبری می آورد و سپس باز می گردد، آیات الهی را در آن آشکارا مشاهده می نماید.

«اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَابِقِ الْفَنِيِّكَ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَنْفُسَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup> خدا است که به هنگام مرگ، ارواح مردم را می گیرد و کسی را که هنوز فرزندش فرا نرسیده است نیز در حال خواب روحش را قبض می نماید، سپس کسی را که مرگش مقدر گردیده، روحش را نگاه می دارد و آن را که مقدر نشده، به پیکرش باز می گرداند تا اجل معین او فرا رسد در این کار آیاتی است برای مردمی که می اندیشند.

پس در قرآن کریم در موارد بسیاری واژه آیه و آیات، وارد گردیده است و از آن جمله در آیه مورد بحث ما می باشد که می فرماید: «لیریکم من آیاته» تا نشانه های خداوند را به شما ارائه دهد.

اکنون باید دید چگونه حرکت کشتی بر روی دریاها و اقیانوس ها از آیات الهی به حساب می آید. وقتی دقت می نمائیم، می بینیم بشر، طی قرن ها زندگی در خشکی سرمایه گذاری فکری نموده تا توانسته است وسیله ای برای حرکت بر فراز آب بسازد و آن را



رفته رفته با گذشت زمان کامل و کامل تر سازد تا به صورت کنونی رسیده است.

مسأله دوم موادی است که در ساختن کشتی به کار رفته است. خداوند این مواد طبیعی را در معادن و جنگل ها ایجاد فرموده که خود آنها هر کدام آیه ای از آیات پروردگار شمرده می شوند.

و سپس نیروی بدنی انسان، که پس از نیروی فکری او که شکل کشتی را در مغز خویش طرح نموده و آن را در عمل پیاده نموده و کشتی ساخته است، نیز آیه ای از آیات الهی است.

آب دریا خود آیه ای به حساب می آید که کشتی بر روی آن حرکت می نماید و انسان را به مقصد و مقصود خود می رساند. و در گذشته که کشتی های بادی به وسیله باد حرکت می کردند، باد به

منزله موتور کشتی بود که اگر می ایستاد کشتی تا بهنگام وزش مجدد آن بی حرکت در وسط دریا متوقف می شد. و لذا در سوره «شوری» می فرماید «وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ. إِنَّ يَتَّخِذُ الْوَيْحَ قَبْضَاتٍ لِّرِوَاكِهِ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَابِرٍ شَكُورٍ» و یکی از

آیات الهی حرکت کشتی ها است در آب که مانند قصرها در حرکت اند، اگر خداوند بخواهد باد را ساکن سازد پس کشتی ها از حرکت باز ایستند، در این

کار برای صابران شکرگزار آیه ای است.

### صابران شکرگزار

ولی نشانه بودن حرکت کشتی بر روی آب برای کسی است که صبر و حوصله اندیشیدن و تفکر در این آیات را دارا باشد، وگرنه انسان تنبلی که حوصله کار و ساختن کشتی از خود نشان نمی دهد،

پی به آیات الهی نخواهد برد چرا که با ساختن کشتی این بخش از آیات برایش روشن می شود. و قدرت خدا را به روشنی در آن مشاهده می نماید.

شما همین جامعه ای را که به تن می پوشید و یا ساختنمانی را که برای سکونت خود مورد استفاده قرار می دهید و یا ماشین و هواپیمائی که وسیله مسافرت شما است، نتیجه صبر و حوصله سال ها و بلکه

قرن هائی است که انسان با تلاش فکری و توان بدنی به ساختن و تکامل بخشیدن به آن پرداخته تا به صورت کنونی رسیده است، و در

آینده به آنها کیفیت و تکامل بهتر و بیشتری خواهد داد و بدون تردید اگر این صبر و پشت کاری مداوم نبود، هرگز به این همه وسائل مدرن امروز دست نمی یافت و در نتیجه، آیات الهی برای او، همچنان ناشناخته باقی می ماند.

و بدنبال آن می فرماید «شکور»، حرکت کشتی که یکی از آیات خدا است این آیات و نشانه ها برای کسی است که کاملاً شکرگزار

پروردگار باشد، وگرنه کسی که در اصل وجود پروردگار دچار تردید است، هرگز توجهی به این ها بعنوان آیات الهی نخواهد نمود تا چه

رسد به اینکه شکرگزار او باشد.

«وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوَجٌ كَالظَّلْمِ ذَعَرُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَتَّخِذُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كَلًّا خَتَارَ كَفُورٍ».

و هنگامی که موجی چون ابرها (در سفر دریا) آنها را بپوشاند (و بر فراز سرشان فرار گیرد) خدا را با اخلاص می خوانند، لذا زمانی که آنها را به خشکی رسانیده و نجات داد، بعضی راه اعتدال را پیش می گیرند (و به ایمان خویش وفادار می مانند در حالی که بعضی دیگر فراموش کرده و راه کفر را

پیش می گیرند) و آیات ما را جز پیمان شکنان کفران گر انکار نمی نمایند.

### خداوند، منجی بیچارگان

برای کسانی که سفر دریائی نموده اند و در وسط دریا گرفتار طوفان شده و امواج عظیم دریا را که همانند کوهی سر از آن بیرون کشیده و کشتی را از هر سو در میان خویش احاطه می نمایند، این

تشبیه قرآن، از امواج دریا به ابرها بهتر قابل درک است. وقتی انسان در چنین وضعیتی قرار گیرد و مرگ را در پیش چشم خویش ملاحظه نماید، در آن لحظه های بحرانی دیگر دل از همه بریده و تنها به

خداوند امید می بندد و از صمیم قلب و از اعماق ضمیر روی به سوی پروردگار می آورد و با اخلاصی که تا به آن هنگام در خویش سراغ نداشته است خدا را می خواند.

مردی به حضور حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب گردید و عرض کرد: «یا ابن رسول الله! ذلنی علی الله ما هو فقد اکتز علی الشجاد لون و خیرونی؟ فقال له: یا عبدا لله هل رکت سفینه قط؟ قال: نعم، قال: فهل کتربک حیث لا سفینه تُنجیک ولا سبأة تُغنیک؟ قال: نعم. قال: فهل تعلق قلبک هناک ان شیا من الأشياء فادع علی ان یخلصک من وژظنیک؟ فقال: نعم قال الصادق علیه السلام: فذلک

النسیء هو الغادر علی الاتجاة حیث لا تنجا و علی الاغاثة حیث لا تغیب».

ای فرزند رسول خدا! متکبرین خدا با من به مجادله بسیار پرداخته بطوری که مرا در پاسخ متحیر ساخته اند، از شما می خواهم که با دلائل و براهین مرا به ذات مقدس او راهنمایی فرمائی.

امام: ای بنده خدا! آیا سوار کشتی شده ای؟  
مرد: آری.

امام: آیا اتفاق افتاده که کشتی بشکند و در آن حال نه کشتی دیگری به نجات تو بشتابد و نه بوسیله شنا رهائی یابی؟

بقیه در صفحه ۳۱



روایات مانند روایت «صلیبت» یا «اسلمت قبل الناس بسبع سنین» بنظر رسید که فعلاً در همان حد احتمال آنرا نقل می‌کنیم و شاهد و دلیل محکمی برای اثبات آن نداریم و بهمان صورت احتمال نقل می‌کنیم، شاید خواننده محترم بتواند دلیل و شاهی برای آن پیدا کرده و به ما نیز اطلاع داده و بی‌خبرمان نگذارند، و آن احتمال این است که منظور از تقدم اسلام و ایمان در هفت سال یا کمتر و بیشتر تقدم رتبی و سبقت در درجه ایمان و اعتقاد باشد نه تقدم زمانی نظیر روایات «كنت نبياً و آدم بين الماء والطين» یا «بين الروح والجسد» که از رسول خدا (ص) نقل شده و یا روایت «أنا أصغر من ربي يسنتين» که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده، و نظائر اینگونه روایات که جمعی از دانشمندان آنها را بر همین معنا حمل کرده‌اند...

و خصوصاً عدد «هفت» نیز شاید بدان جهت باشد که در «باب درجات ایمان» در چند روایت برای ایمان هفت درجه ذکر فرموده‌اند، مانند روایت کافی که بسند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«ان الله عزوجل وضع الایمان علی سبعة اسهم، علی البر والصدق والیقین والرضا والوفاء والعلم والحلم، ثم قسم ذلك بين الناس، فمن جعل فيه هذه السبعة الاسهم فهو كامل محتمل وقسم لبعض الناس السهم وبعض السهمین وبعض الثلاثة حتى انتهوا

### الی السبعة...»<sup>۱۲</sup>

و عرفاء و اهل سیر و سلوک نیز منازل و مراحل رسیدن به کمال را هفت مرحله ذکر کرده‌اند و شعر ذیل هم ناظر به همین معنا است که گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت ماهنوز اندر خم یک کوجه ایم.

۱- متن روایت عایشه اینگونه بود «فکان یخلو بفار حراً فینحس وهو التعمد». و در روایت محمد بن اسحاق نیز اینطور بود «وکان رسول الله (ص) ینزل الی حرا فی کل عام من السنة ینسک فیه...».

۲- طبقات ابن سعد ج ۴ قسم ۱ ص ۱۶۳

۳- تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۱۴-۳۱۳

۴ و ۵- شرح ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۰۰

۷- احقاق الحق ج ۱۵ ص ۳۴۶ و بحار الانوار ج ۳۸ ص ۲۳۰ بنقل از اربعین خطیب و فضائل احمد و کشف الثعلبی

۸- الصواعق المحرقة ص ۱۱۸

۹- و در الفهرج ج ۳ ص ۲۳۸ بنحو کاملتری این عبارت نقل شده است

۱۰- سیره حلبیه ج ۱ ص ۳۰۵-۳۰۳ ط مصر (مکتبه مصطفی محمد)

۱۱- الفهرج ج ۳ ص ۲۳۹

۱۲- اصول کافی کتاب الایمان و الکفر باب درجات الایمان ج ۱ و ترجمه آن چنین است: براسنی که خدای عزوجل پایه ایمان را بر هفت سهم نهاد، بر نیکوکاری و راستی و یقین و رضا و خشوعی و علم و حلم، و آنگاه این سهام را میان مردم تقسیم کرد و هر آنکس که تمامی این هفت سهم در او باشد او انسان کاملی است که همه سهام را برگرفته ولی برای مردم دیگریک سهم و دو سهم و سه سهم تقسیم شده تا برسند به همان هفت سهم...

### بقیه از آیات الهی ...

مرد: آری.

امام: آیا در آن هنگام هیچ به قلبت گذشته که موجودی هست که قادر به نجات از این مهلکه خواهد بود؟

مرد: آری.

امام صادق «ع» فرمود: آن موجود همان «الله» است که در آن هنگام که نجات بخش و فریادری نیست، قادر به نجات و امداد انسان خواهد بود.

آری! در آن هنگام که آدمی برای لحظه‌ای از تحت تأثیر جاذبه‌های مادی و کششهای غریزی آزاد گردیده و امیدش را به آنچه که تا آن وقت به آن امیدوار بود از دست می‌دهد، فطرت خداجویش به یکباره بیدار شده و از سر خلوص خدا را می‌خواند و تنها از او استمداد می‌نماید، و به همین دلیل امام او را متوجه آن لحظه می‌سازد، چرا که بزرگترین دلیل برای اثبات وجود خالق، شهادت فطرت خود

### بقیه از درگوشه و کنار جهان

کلیسا رابع به تجاوز به عتف که در سالهای اخیر در ایرلند شدیداً افزایش یافته است سابقه تاریخی تأیید ضمنی از جانب کلیسا دارد.

اگرچه فعالیت کلیسا در سال گذشته متجر به شکست رفتارندوم لایحه طلاق در ایرلند گردید ولی تاکنون مشاهده نگردیده است که کلیسای کاتولیک اعلامیه‌هایی رابع به محکوم نمودن گروههای هم جنس باز در ایرلند منتشر نماید. و این مسأله نشان میدهد که اربابان کلیسا «در این کشور باصطلاح مذهبی تر اروپا» تا چه حد در منجلاب فساد و تباهی و بدبختی فرورفته‌اند.

انسان است.

۴- سوره زمر آیه ۴۲.

۵- سوره شوری آیات ۳۳-۳۲.

۶- سوره لقمان آیه ۳۲.

۷- کتاب التوحید للصدوق ص ۲۳۱.

۱- سوره لقمان آیه ۳۱.

۲- سوره بقره آیه ۱۶۴.

۳- سوره روم آیه ۲۳.